پژوهشنامهٔ قرآن و حدیث

Pazhouhesh Name-ye Quran Va Hadith

شمارهٔ ۲۸، بهار و تابستان ۱۴۰۰
صص ۱۰۶ـ۷۵ (مقاله پژوهشی)

No. 28, Spring & Saummer 2021

بازشناسی مفهوم نبوت و برخی از لوازم و توابع آن در قرآن کریم و عهد عتیق

سیدجواد جلیلی شانی[۱]، عباس همامی[۲]، محمدرضا عدلی[۳]

(تاریخ دریافت مقاله: ۹۹/۴/۱ ـ تاریخ پذیرش مقاله: ۹۹/۵/۲۵)

چکیده

نبی از ریشه نبأ به معنی خبرآورنده و نبوت به ضم نون جایگاهی همراه با علـو شـأن و مرتبتـی والاسـت. نبوت در قرآن کریم شامل مردانی است که واجد صفات بارز و واسطه فیض الهی می‌باشند. این مسئولیت در عهد عتیق برعهده زنان و مردانی است که از نظر روحانی برتر از سطح مردم عصر خود بودند. مقاله حاضر در سه بخـش تـدوین شده است. مفهوم نبوت و لوازم و توابع آن در دو کتاب قرآن کریم و عهد عتیق به تفکیک تشـریح، و در بخـش سـوم مورد تحلیل و بررسی تطبیقی قرار گرفته است. در بررسی مفهوم نبوت در دو کتاب مقدس، مشخص گردید که وجـوه اشتراک در شخصیت و سیره پیامبران بیش از وجوه افتراق اسـت. مـوارد اختلافـی متـأثر از مراتـب و شـرایط عصـر پیامبران و نیز ناشی از برداشت پیروان آنان می‌باشد. ارایه تصویری متناقض در سـاختار شخصـیتی پیـامبران کـه در برخی موارد در عهد عتیق مشاهده می‌شود، محل تأمل و صرفاً از سوی پیروان و معاندان، بر کتاب مقدس تحمیل شده است. طبعاً تقویت وجوه مشترک در احکام، شریعت و مفهوم نبوت، بستری مناسب برای مطالعات تطبیقی و هم‌زیسـتی و تعامل بیشتر پیروان دوکتاب مقدس است.

کلید واژه‌ها: قرآن کریم، عهد عتیق، نبوت، اسلام، یهود.

---

۱. دانشجوی دکتری، گروه علوم قرآن و حدیث، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران، seyedjavadjalili@gmail.com

۲. استاد گروه علوم قرآن و حدیث واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران (نویسنده مسئول)؛ info@hemamia.ir

۳. استادیار گروه ادیان و عرفان واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران، moh_ adli@yahoo.com

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-24]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1400.14.28.3.9]

۱- مقدمه

مطالعه و بررسی سیره مشترک انبیاء، جامعه انسانی را از گذشته به آینده متصل می‌کند. فلسفه طرح آن در قرآن کریم و عهد عتیق ناظر بر آن است که علی رغم تفاوت‌ها از حیث مکانی و زمانی و دیگر شرایط زندگی، آنان حقیقتی به هم متصل و پیوسته‌اند. «... **لَا نُفَرِّقُ بَيْنَ أَحَدٍ مِن رُسُلِهِ**...» (البقره، ۲۸۵) به گفته یکی از محققان: «فهم سه متن در تعامل با هم بیش از هر وقت دیگر رایج و مهم است. با فرض این که قبلاً ـ و تاکنون ـ هر یک از این متون مقدس را غالباً به گونه‌ای خوانده‌اند، فهمیده‌اند و تفسیر کرده‌اند که گویا هر یک ضد دیگری است. این سه کتاب به پاسخ‌های یکدیگر نیازمندند، آنها را باید با هم دید و همواره آنها را به گفتگو کشاند و آنها را با یکدیگر وارد بحث کرد. پیام مشترک این سه کتاب، تمام کسانی را مخاطب قرار می‌دهد که به آن گوش می‌سپارند... آنانی که خدا از طریق نبوت انبیاء، ایشان را مخاطب ساخته است.» (وسلز، ۲۷)

متفکران و اندیشمندان معاصر بر ضرورت گفتگوی پیروان دین ابراهیمی و در امر گسترش آن تاکید می‌ورزند. این گفتگو با هدف تعامل بیشتر، ابهام‌زدایی، تقویت اشتراکات و ایجاد هم زیستی بین آنان ضرورت دارد.

این مقاله بر آن است که مفهوم نبوت را در قرآن کریم و عهد عتیق بازشناسی نموده و وجوه اشتراک و افتراق در آن را باروش تطبیقی مورد بررسی قرار دهد.

۲- بیان مسأله

جوامع بشری در شرایط کنونی دستخوش مشکلاتی چون: بی‌عدالتی، فقر، خشونت، تغییر الگوهای زندگی و انحراف شده است. از آنجایی که زندگی مردم متأثر از عقاید دینی و معنویات است؛ برای برون رفت از مشکلات فوق بدون شناخت و درک عقاید دینی، نمی توان راه‌حل درست و دقیقی ارایه نمود.

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-24]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1400.14.28.3.9]

موثرترین راه برای شناخت عقاید و معنویات، بررسی و مطالعه شخصیت قهرمانان دینی، فارغ از این که آنان متقدم یا متأخر، و یا از چهره های بنیان گذار و قدیس آن دین بوده باشند. این افراد بخاطر اقدامات اصیل، با اخلاص و برجسته خود، در جامعه محترم و مقدس می‌باشند. «آنان تجسم زنده متون مقدس، مبادی نظری و عملکردهایی هستند که از با ارزش‌ترین منابع و انگیزه‌ها در جستجو و شناخت عقاید دینی مردم می‌باشند.» (بوش و دیگران، ۱۰)

بنابراین جهت شناخت و برون رفت از انحرافات، بعد از معرفت دین و عقاید، تبیین سیره پیشوایان مورد توجه قرار می‌گیرد. در این راستا باید سراغ کسانی رفت که واسطه فیض، مبیّن دین الهی و مورد اعتماد خداوند و مردم می‌باشند. و بیشتر از هر کس درد جوامع بشری را شناخته و به آن نزدیک‌ترند. خالق هستی پیامبران را به عنوان حلقه اتصال سیر نظام خلقت از مبدأ تا مرجع قرار داد. سنت دایمی خداوند در تحقق عدالت و استقرار حاکمیت صالحان به صورت سیره مستمر پیامبران ظهور می‌کند.

دیدگاه‌ها و رفتارهایی که در ذیل می‌آید این چرخه و سیر معرفتی را با دشواری‌هایی همراه نموده است.

انحصارگرایی و حتی تکثرگرایی و پلورالیزم، برداشت‌ها و عقایدی که بر متون مقدس تحمیل و عامل انحراف و تحریف آن گردید، عدم توجه به مراتب پیامبران و شرایط زندگی عصر آنان، عدم باور قلبی و التزام عملی به آموزه‌های دینی.

این در حالی است که قرآن کریم دین همه پیامبران را اسلام (تسلیم محض) و همه آنان را بر صراط حق معرفی می‌کند. و بر تأسی از زندگی آنان تاکید می‌ورزد. امروز بیش از هر زمان دیگر ناتوانی بشر در مسیر تکامل و کامیابی بدون اتصال به وحی و تعالیم انبیاء نمایان‌تر است. کتب آسمانی دارای وجوه اشتراک و افتراقی است که البته اشتراکات موارد بیشتری را در برگرفته و می‌تواند بستر گفتگوی پیروان دین ابراهیمی گردد. وجوه افتراق دو علت دارد: یا به سبب مراتب پیامبران و شرایط عصر آنان است که باید مورد توجه قرار گیرد. و یا از سوی بشر بر آن تحمیل شده و تحریفی است که باید پالایش گردد.

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-24]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1400.14.28.3.9]

بنابراین بازنگری مفهوم نبوت به طور صحیح، تطبیقی و عاری از هـر گونـه تعصـب در قرآن کریم و عهد عتیق، و تقویت و برجسته نمودن وجوه اشتراک و پالایش تحریـف از آن بیش از همیشه ضرورت دارد. تا تشتت و تفرقه، خشونت و انحرافات و فقر و بی‌عدالتی در سایه تعالیم آن به هم‌دلی و هم‌گرایی، صلح و هم‌زیستی و تعامل و هم افزایی مبدل گردد.

در این راستا سوالات ذیل قابل طرح می‌باشد:

مفهوم نبوت در قرآن کریم و عهد عتیق چیست؟

چرا در قرآن کریم و عهد عتیق مفهوم نبوت و لوازم و توابع آن متفاوت بیان شده است؟

وجوه اشتراک و افتراق مفهوم نبوت در قرآن کریم و عهد عتیق چگونه توصیف شده است؟

۳- نبی و نبوت در قرآن کریم

۳-۱. نبی در قرآن کریم

نبی از ریشه «نبأ» و برخی گفته‌اند از «نبو» می‌باشد. اگر از نبأ باشد به معنی «مُخبرٌ عـن الله» که همزه آن مبدل به «ی» شـده و درآن ادغـام گردیـده اسـت. و برخـی از «النبـوة» و «النباوة» گرفته‌اند که مراد از آن رفعت و بلندی است. و نبی را بـه جهـت رفعـت و شـأن و جایگاهش نسبت به دیگر مردم بدان نامیده‌اند.

سیوطی در البهجه المرضیه آورده است: و لفظُهُ – بالتشدید – مـن النَبـوّه اِلـیِ الرّفعـهِ، لِرفعهِ رتبه النّبی، علی غیرهِ مِن الخلقِ، و بالهمزهِ مِن النّبأ أی الخبر لِأنَّ النّبیّ مخبـرٌ عـنِ اللهِ تعالی ... أیِ المختار من النّاس. (السیوطی، البهجه المرضیه، ۸). راغب در المفردات آن را با تشدید ابلغ و رساتر از همزه دانسته است؛ چون در این حالت اسـت کـه معنـای رفعـت و عظمت شأن می‌دهد. (راغب اصفهانی، ۵۰۱). مولف التحقیق آورده است که نبـی در معنـی مخبر عن الله باید دارای رفعت باشد. و نبی از نبـأ بیـانگر رفعـت و شـأن عظمـت نیسـت. بنابراین دانستن نبی از ریشه نبأ دارای اشکال است. (مصطفوی، ۱۲/۱۲)

بنابراین، نبی از ریشه «نبأ» به معنی کسی است کـه دارای خبـری مهـم و بـا اهمیـت از طرف خداوند متعال به مردم است. و از ریشه «نبوه» به معنی رفعت و بلندی، و نبـی کسـی

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-24]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1400.14.28.3.9]

است که دارای شأن و مقامی والاست. و نیز به معنی راه و طریق، و نبی در این صورت کسی است که راهنمای هدایت بشر به سوی خداوند متعال است. بیشتر لغویون و نحویون بر دیدگاه اول تأکید دارند.

در نهایت می‌توان گفت که نبوت به ضم نون از ریشه نبأ به معنی خبر آورنده از طرف خداوند متعال می‌باشد. و رفعت و بلندی شأن لازمه نبوت است نه معنی مطابقی آن. یعنی، نبی همراه با تشدید به معنی مخبر عن الله که دارای شأن و علو مرتبت نیز می‌باشد.

۳-۲. نبوت در قرآن کریم

نبی بر وزن فعیل اگر در معنی مفعول باشد، معنایش خبر داده شده می‌باشد. «هو انسانٌ أوحی إلیه بشرعٍ و إن لم یُومر بتبلیغهِ فإن امر بذلک فرسولٌ أیضاً» (السیوطی، همان). «**...نبّأنی العلیم الخبیر**» (التحریم، ۳). و اگر در معنی فاعل باشد، معنایش خبر دهنده است. «**نبّی عبادی...**» (الحجر، ۴۹). در قرآن کریم معنای فاعلی آن ارجح می‌باشد.

قرآن کریم در تبیین بعثت انبیاء و تشریح مسأله نبوت، اهداف ذیل را بر می‌شمارد:

تعلیم حقایقی که انسان بدون اتصال به وحی بدان آگاهی نمی‌یابد، تزکیه نفوس و تهذیب ارواح از رذایل اخلاقی، برقراری عدالت، برداشتن بارهای سنگین و زنجیرهای اسارت از مردم، رفع اختلاف از جوامع بشری، صحه گذاشتن بر ادراکات عقلی و تائید و تاکید و احیاناً اصلاح و تعدیل یافته‌های واقعی خرد انسانی و دعوت جوامع بشری به حیات جامع و طیّبه. (نکـ : جوادی آملی، انتظار بشر از دین، ۵۰)

۳-۳. نبوت عامه و خاصه

نبوت عامه اصطلاحی کلامی است که در آن از پیامبران الهی و در مباحث کلی بحث می‌شود. (سبحانی، عقاید اسلامی در پرتو قرآن، ۲۲۶) نبوت خاصه که در مقابل نبوت عامه می باشد، از دلایل نبوت یک پیامبر به طور خاص سخن می‌گوید. ولی نبوت عامه به اصل نبوت

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-24]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1400.14.28.3.9]

در موضوعاتی نظیر ضرورت بعثت، عصمت، اعجاز، راههای اثبات نبوت و ... می‌پردازد.

٤- مفهوم نبوت در قرآن کریم

پیامبران به عنوان واسطه فیض، بی‌شک باید واجد مرتبه و علو شأنی باشند تا بتوانند از عهده چنین مسئولیت خطیری برآیند. مراد از طرح مفهوم نبوت، صرفاً پرداختن به نبوت عامه و اصول کلی نبوت و یا نبوت خاصه نیست؛ بلکه تبیین صفات بارز و برجسته‌ای است که بواسطه آن ویژگی‌ها، از طرف خداوند متعال جهت هدایت مردم برگزیده شده‌اند. «**... اللّهُ أَعْلَمُ حَيْثُ يَجْعَلُ رِسَالَتَهُ...** » (الانعام، ۱۲۴)

در ذیل به برخی از این صفات برجسته در قرآن کریم و در بخش بعدی در عهد عتیق به تفکیک و به اختصار پرداخته می‌شود و در پایان مورد تحلیل و بررسی تطبیقی قرار می‌گیرد.

٤-١. توحید و عبودیت محض

توحید عبادی از اساسی‌ترین مراحل توحید است که در آن جز ذات الهی شایسته پرستش دانسته نمی‌شود. و از هر نوع کنشی جز به محضر ذاتش اجتناب می‌گردد. در کتب الهی گستره عبادت بسیار وسیع می‌باشد. و به همه اموری که با اخلاص و تواضع در جهت رضای الهی انجام گیرد، اطلاق می‌گردد. در این مقاله صرفاً در همان معنای پرستش است که پیامبران از طریق وحی دریافت و به مردم ابلاغ می‌نمودند. خداوند متعال در خطاب به حضرت موسی علیه السلام اطاعت از اوامر الهی و عدم نافرمانی در این امر را مایه مسرّت خویش دانسته است. «یا موسی کُن کمسرّتی فیک فإنّ مَسرّتی أن أُطاعَ فَلا أُعصی...» (مجلسی، ۳۱/۲) و در روایتی دیگر آمده است که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در نصایح خود به امت، ابتدا آنان را به پرستش الهی دعوت می‌نماید: «أیها الناس لانبیّ بعدی و لا أمّه بَعَدکم، اَلا فاعبُدوا ربّکم...» (زنجانی، ۱۵۲/۲) درک معرفت توحیدی، تسلیم محض در عبودیت و ابلاغ صحیح اوامر الهی به مردم، مقام عصمت و شأن والایی را

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-24]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1400.14.28.3.9]

می‌طلبد که صرفاً از عهده پیامبران الهی بر می‌آید.

توحید عبادی رکن اصلی توحید و به عنوان سر فصل دعوت همه پیامبران تلقی می‌گردد. پیامبران همه شئون زندگی و عبادت خود را در راه او و برای او مصروف می‌ساختند. «قُلْ إِنَّ صَلَاتِی وَنُسُکِی وَمَحْیَایَ وَمَمَاتِی لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِینَ» (الانعام، ۱۶۲). آنان در درک، دریافت و عمل به اوامر الهی در زندگی خود و نیز وصیت آن به پیامبران بعد از خود و همه مردم اهتمامی شایسته داشته و ذره‌ای اهمال نمی‌نمودند. حضرت یعقوب علیه‌السلام در هنگام ارتحال، از فرزندان در خصوص پرستش بعد از خود سوالی نمود، پاسخ دادند: «... قَالُوا نَعْبُدُ إِلَهَکَ وَإِلَهَ آبَائِکَ ... إِلَهًا وَاحِدًا وَنَحْنُ لَهُ مُسْلِمُونَ» (البقره، ۱۳۳). و در جایی دیگر می‌فرماید که پرستش خود را به همه پیامبران وحی و ابلاغ کردیم. «... أَنَّهُ لا إِلهَ إِلَّا أَنَا فَاعْبُدُونِ» (الانبیاء، ۲۵). پیامبران موظف هستند تا پرستش الهی و اجتناب از طاغوت را به مردم ابلاغ نمایند. «وَلَقَدْ بَعَثْنَا فِی کُلِّ أُمَّةٍ رَسُولًا أَنِ اعْبُدُوا اللَّهَ وَاجْتَنِبُوا الطَّاغُوتَ...» (النحل، ۳۶)

٤-۲. ایقان به معاد

بعد از اعتقاد به مبدأ و ابلاغ اوامر الهی، مجاهدت انبیاء در جهت تعلیم و تعمیق باورهای مردم در امر معاد است. تعمیق چنین باوری در جامعه، به پیامبران کمک می‌کند تا در اجرای مأموریت و تحقق اهداف خود توفیق بیشتری کسب نمایند و نتیجه مطلوب حاصل گردد. بنابراین این نگرش از عواملی است که به پیامبران مرتبتی والا می‌بخشد. رسول الله صلی الله علیه و آله بواسطه آن مقام شامخ یافت. زندگی حضرت یحیی و عیسی پربرکت شد. و اگر درباره حضرت نوح و دیگر انبیاء صحبت از درود همیشگی است بخاطر آن است که یاد معاد در جانشان تعبیه شده بود. (نک: جوادی آملی، یاد معاد، ۱۷۶)

با نگاهی به سیره حضرت ابراهیم علیه‌السلام در می‌یابیم که باید در خصوص معاد به باوری برسیم تا اطمینان و آرامش قلبی ایجاد گردد: «... لِیَطْمَئِنَّ قَلْبِی...» (البقره، ۲۶۰). در

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-24]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1400.14.28.3.9]

قرآن‌کریم ایمان به آخرت در کنار ایمان به خداوند متعال قرار گرفته است. (همان، ۸). قرآن‌کریم بر خلاف تورات، با صراحت در خصوص آخرت، معاد، برزخ، پرونده اعمال، مرگ، حسابرسی و... سخن گفته است.

یکی از مهمترین تعالیم انبیاء مسأله معاد بوده است. (الانعام، ۱۳۰) باور به معاد در سیره پیامبران، در زندگی مخاطبان و مردم نیز اثر خواهد گذاشت و آنان در تأسی به انبیاء رغبت بیشتری پیدا خواهند کرد. این امر سبب می‌گردد تا پیامبران در دعوت خود مصمم‌تر و در مقابله با معاندان عزمشان راسخ‌تر گردد. حضرت نوح علیه‌السلام مردم را به امر معاد توجه می‌داد، آنان انکار می‌کردند و لجاجت می‌ورزیدند. (المومنون، ۳۵-۳۸). نظیر چنین تعبیری در زندگی حضرت هود علیه السلام نیز مشاهده می شود. (الشعراء، ۱۳۵)

٤-۳. ادب حضور

یکی از اصول محوری شخصیت پیشوای دینی ادب و تواضع گفتاری و رفتاری در محضر الهی است. این امر هر چه عمیق‌تر باشد پیامبر را در ابلاغ و مواجهه با مردم متواضع‌تر کرده و در نهایت موفقیت بیشتری حاصل می‌گردد.

ادب و تواضع پیامبران به محضر ربوبی در آیات زیادی از قرآن کریم مطرح شده است. در سوره انبیاء بخشی از زندگی شانزده پیامبر که دچار تنگنا و یا مشکلی شده‌اند، به تصویر درآمده است. نحوه مواجهه پیامبران با مشکلات و تضرع و عرض حال آنان به محضر الهی بیان شده است.

حضرت ایوب علیه‌السلام به مشکلات سنگین و متعددی مبتلا می‌گردد. در نهایت، بیماری بر وی عارض گردید و همه بدنش را در بر گرفت. وقتی با سرزنش همسر و اغوای شیطان مواجه شد، در نهایت تضرع و ادب عرض کرد: پروردگارا مسکنت و درد همه وجودم را در بر گرفت، ولی باز هم تسلیم آنچه که وجود مهربان تو صلاح بداند هستم. «**وَ أَيُّوبَ إِذْ نادى رَبَّهُ أَنِّي مَسَّنِيَ الضرُّ وَ أَنْتَ أَرْحَمُ الرّاحِمِينَ**» (الانبیاء،۸۳).

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-24]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1400.14.28.3.9]

حضرت یونس علیه‌السلام ظلمات و تاریکی را ناشی از کردار خود دانسته و اراده الهی را از همه تنگناها و دشواری‌هایی که بر انسان استیلا می‌یابد، منزه می‌داند. «**... فنادی فِی الظُّلُماتِ أَنْ لا إِلهَ إِلاّ أَنْتَ سُبْحانَکَ إِنِّی کُنْتُ مِنَ الظّالِمِینَ**» (همان، ۸۷). حضرت زکریا علیه‌السلام نیز پروردگارش را با عبارت «ربِّ» خطاب می‌کند؛ یعنی بر این نکته اذعان می‌نماید که رشد، پرورش، اعتلا و همه امور زندگی‌ام با عنایت توست. خداوند متعال نیز به ندای او مانند دیگر پیامبران با محبت و عطوفت پاسخ می‌دهد. البته خداوند متعال قابلیت و صفات برجسته پیامبرش را برمی‌شمارد تا مورد توجه و تأسی پیروان قرار گیرد. «... **رَبِّ لا تَذَرْنِی فَرْداً وَ أَنْتَ خَیْرُ الْوارِثِینَ**» (همان، ۸۹)

٤-٤. زهد و ساده زیستی

زهد، از اصول مهم رفتاری انسان و پاسخی است بر ناپایداری دنیا که آرامش را برای آدمی به ارمغان می‌آورد. کسب آن برای انسان ارزش و بر پیشوایان دینی ضرورت محسوب می‌گردد. در این هنگام است که فقیر به سیره زاهدانه پیشوا تأسی می‌جوید و غنی در ثروت خود طغیان نمی‌ورزد. تبیین معنای زهد گاهی با افراط، تفریط و انحراف همراه شده است. امام علی علیه‌السلام با عنایت به آیه ۲۳ الحدید مفهوم زهد را به طور کامل و زیبا به تصویر می‌کشد:

زهد کوتاه کردن آرزوها و پاک نمودن دل، خوشحال نشدن به مدح و غمگین نشدن به مذمت است و این که چیزی نخورد، ننوشد و نپوشد مگر بداند پاک و حلال است و این که به آنچه به او مربوط نیست سخن نگوید و بر دنیا حسد نورزد و علم و علما را دوست بدارد و دنبال مقامات و شرف دنیایی نباشد. (نوری الطبرسی، ۱۲/ ۵۰)

زهد در مرحله قلبی عدم تعلق به امور ناپایدار و در مرحله عملی اکتفا به بهره‌ای اندک از مواهب دنیوی است. چنین نگرشی به دیدگاه، گفتار و رفتار آدمی در زندگی، جلوه‌ای خاص و نیکو می‌بخشد. زیباترین تصویر از معنای زهد در این آیه از قرآن کریم مشاهده می‌شود: «**لِکَیْلَا**

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-24]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1400.14.28.3.9]

تَأْسَوْا عَلَى مَا فَاتَكُمْ وَلَا تَفْرَحُوا بِمَا آتَاكُمْ...» (الحدید، ۲۳). طبرسی در مجمع همه زهد را در این آیه دانسته است: «ان الزهد کلّه فی آیه من کتاب الله...» (طبرسی، مجمع‌البیان، ۴۰۰/۹)

بنابراین در فرهنگ قرآنی، زهد به معنای ترک دنیا نیست؛ بلکه ترک ظواهر دنیوی و اکتفا به مظاهر آن در حد ضرورت و به دور از افراط و تفریط است. پیشوایان دینی با چنین نگرشی بر سیره زاهدانه اهتمام می‌نمودند.

حضرت موسی علیه‌السلام در آن شرایط بسیار سخت و دشوار، پس از یاری به دختران شعیب علیه‌السلام در زیر سایه درختی، مسکنت و اضطرار خویش را به خدای خود بدین شکل عرضه می‌دارد:

«... فَقَالَ رَبِّ إِنِّي لِمَا أَنْزَلْتَ إِلَيَّ مِنْ خَيْرٍ فَقِيرٌ» (القصص،۲۴). حضرت علی علیه‌السلام به عنوان تربیت یافته مکتب وحی و مبیّن قرآن‌کریم، در نهج البلاغه سیره زاهدانه پیامبر اکرم، حضرت موسی و حضرت عیسی علیهم‌السلام را به تصویر می‌کشد و همگان را بر لزوم تأسی و بهره‌گیری از سیره قلبی و عملی آنان تاکید و هدایت می‌نماید (سیدرضی، خ۱۶۰)

٤-۵. مقابله با سطحی نگری

یکی از اصول مهم نبوت، مقابله با سطحی‌نگری در شناخت پروردگار متعال و عبادت به محضر الهی است. در کتاب التوحید الکافی روایات متعددی در ابواب مختلف در خصوص نهی از رؤیت و توصیف خداوند، تجسیم و... بیان شده است. (نکـ: کلینی، ۱۲۷/۱-۱۵۰)

در متون اسلامی و فرهنگ دینی معرفت به پروردگار متعال از اولین اصول و محوری ترین امور است. در اولین خطبه نهج‌البلاغه آمده است «... **اوّل الدین معرفته...**» (سیدرضی، خ۱). توصیف صحیح از شناخت خداوند را می‌توان در محاجه حضرت ابراهیم علیه‌السلام با نمرود (البقره، ۲۵۸) و حضرت موسی علیه‌السلام با فرعون* (طه، ۵۴-۴۹) در قرآن‌کریم

* در تاریخ مذاهب سه تن از فراعنه معروفند: فرعون عصر حضرت یوسف علیه‌السلام. فرعون عصر ولادت حضرت موسی علیه‌السلام. فرعون عصر خروج که در این جا مراد از فرعون، سومی است. (نکـ: خزائلی، ۴۸۲)

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-24]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1400.14.28.3.9]

مشاهده کرد. قوم بنی‌اسرائیل بعد از نجات از دریا مردمی را دیدند که در پرستش بت های خود اهتمام می ورزیدند. به پیامبرشان گفتند ما هم خدایی می‌خواهیم که قابل لمس و رؤیت باشد. حضرت موسی علیه‌السلام تقاضای قوم را نابخردانه و آنان را قومی جاهل خطاب کرد. «...**اجْعَل لَّنَا إِلَهًا كَمَا لَهُمْ آلِهَةٌ قَالَ إِنَّكُمْ قَوْمٌ تَجْهَلُونَ** ...» (الأعراف، ۱۳۹-۱۳۸). جهالتی که موسی علیه‌السلام قومش را بدان نکوهش می‌کند، صرفاً مختص عصر بنی‌اسرائیل نیست؛ بلکه این نابخردی مربوط به هر عصری می‌تواند باشد و تکرار گردد. برخی از صحابه در مسیر رفتن به نبرد حنین به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله پیشنهاد نمودند که برای ما درختی قرار بده که سالی یک روز بدان تبرک جوییم: «إجعل لنا هذه أنواط کما للکفار ذات أنواط» حضرت فرمود: شما همان سخنی را می‌گویید که بنی‌اسرائیل به موسی علیه‌السلام گفتند: «... اِجعَل لنا اِلهاً کما لَهُم ءالهه ...» سپس فرمود شما به سیره و سنت جاهلی پیشینیان خود بازگشتید. (طبری، ۳۱/۹) در جایی دیگر اتخاذ و پرستش گوساله و انحراف از توحید، مورد نکوهش شدید و مجازاتی سنگین واقع می‌گردد**: «... **إِنَّكُمْ ظَلَمْتُمْ أَنْفُسَكُمْ بِاتِّخَاذِكُمُ الْعِجْلَ فَتُوبُوا إِلَى بَارِئِكُمْ فَاقْتُلُوا أَنْفُسَكُمْ** ...» (البقره، ۵۴). در ادامه، وقتی بنی‌اسرائیل رؤیت خداوند را شرط پذیرش ایمان اعلام نمودند؛ عذاب صاعقه آنان را فرا گرفت. «... **لَنْ نُؤْمِنَ لَكَ حَتَّى نَرَى اللَّهَ جَهْرَةً فَأَخَذَتْكُمُ الصَّاعِقَةُ**» (البقره، ۵۵)

بنابراین، تقاضای رؤیت توسط حضرت موسی علیه السلام در میقات، رؤیت قلبی است نه بصری. (الأعراف، ۱۴۳). (جوادی آملی، تفسیر موضوعی قرآن مجید، ۲۷۱/۷) نمی‌توان پذیرفت که قومش را که در پنج آیه قبل تقاضای رویت نمودند، نادان و جاهل بخواند ولی خود بدان عنایت و توجه ننماید.

عدم رویت امر مجهولی نبود که حضرت موسی علیه‌السلام آن را نداند.

** قرآن‌کریم سامری را مسئول انحراف بنی‌اسرائیل در داستان گوساله می‌داند. ولی عهد عتیق حضرت هارون را مسئول انحراف بنی‌اسرائیل در این موضوع معرفی می‌کند! (خروج/۳۲، ۸-۱)

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-24]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1400.14.28.3.9]

٤-۶. تجسم و تجلی محبت الهی

دین الهی بر محور محبت استوار است. در زمان ضرورت، جهاد و نبرد با دشمنان در دستور کار قرار می‌گیرد. پیشوایان دینی به عنوان واسطه فیض، تجسم عینی محبت، رأفت الهی و صفات رحمانی می‌باشند. خداوند از بندگان محبت و طاعت را می‌خواهد و محبت و مغفرت خود را اجر آن دو می‌شناساند و این پیمان متقابل، مصداقی از بنده نوازی خدای سبحان است. محبت رابط مشترک حضرت خداوند تعالی و بندگان اوست؛ یعنی بر خلاف پندار برخی، هم عبد می‌تواند مُحب باشد و خداوند محبوب او و هم خدای متعالی محب است و عبد محبوب وی. طاعت، مختص عبد است و مغفرت، ویژه رب. (جوادی آملی، تسنیم، ۳۵/۱۴)

محبت صرف، مورد پذیرش اسلام نیست. در کتاب الدر المنثور روایتی از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله آمده است که حضرت آن را مشروط بر این اعمال دانست: «... علی البرّ و التقوی و التّواضع و ذله النّفس» (السیوطی، الدر المنثور، ۱۷۸/۲)

از آنجایی که قرآن کریم کتاب اخلاق و هدایت است؛ روح اخلاق بر تمامی آیات آن، حتی بر آیات جهاد، حاکم است. در تمام شرایط رعایت نکات تربیتی و اخلاقی را ضرورت می‌داند. این نگرش در سیره پیشوایان دینی نیز جلوه دارد.

قرآن کریم تبعیت از رسول مهربانی را برای محب و محبوب الهی شرط می‌داند. «**قُلْ إِنْ كُنْتُمْ تُحِبُّونَ اللّهَ فَاتّبِعُونِی يُحْبِبْكُمُ اللّهُ...**» (آل عمران، ۳۱). در همین سوره به پیامبرش می‌فرماید که اگر تو رئوف و مهربان نمی‌بودی و رقت قلب نمی‌داشتی؛ مردم از تو کناره می‌گرفتند و مجذوب تو نمی‌شدند. (همان، ۱۵۹). قرآن کریم، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله را تجسم عینی عشق، صلح، محبت و مهربانی خداوند برای مردم و نمونه‌ای کامل از صفات رحمانی می‌داند. عشق پیامبرش را به مکتب و محبت وی را به مردم و نگرانیش را جهت هدایت آنان در این آیه به تصویر کشیده است: «**لَعَلّکَ بَاخِعٌ نَفْسَکَ...**» (الشعراء، ۳) پیامبرش موسی علیه‌السلام را برای خود می‌سازد و پرورش می‌دهد: «**وَ اصطنعتک لنفسی**» (طه، ۴۱). و در هنگام وصیت به پیامبرش خود را این‌گونه توصیف می‌کند: «یا موسی أُوصیک وصیّه الشفیق المشتفیق ...» (مجلسی، ۳۲/۷۴).

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-24]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1400.14.28.3.9]

به حضرت موسی و حضرت هارون علیهماالسلام دستور می‌دهد که در مواجهه با فرعون طغیان‌گر قولی لیّن داشته باشید؛ چرا که قلب آدمی با قول لیّن به نرمی و هدایت گرایش می‌یابد:

«فَقُولا لَهُ قَوْلًا لَيِّناً لَعَلَّهُ يَتَذَكَّرُ أَوْ يَخْشى» (طه، ۴۴). برادران یوسف علیه‌السلام بعد از آزردن دو پیامبر خدا در پایان قصه، عذر تقصیر به پیشگاه پدر عرضه داشتند. آنان نگران از هر گونه رفتار قهرآمیز پدر بودند. اما پدر با رأفت و عطوفت خاصی مهربانی خداوند متعال را به آنان گوشزد نمود و وعده استغفار در سحر جمعه‌ای به آنان داد. «قَالُوا يَا أَبَانَا اسْتَغْفِرْ لَنَا ذُنُوبَنَا إِنَّا كُنَّا خَاطِئِينَ- قَالَ سَوْفَ أَسْتَغْفِرُ لَكُمْ رَبِّي إِنَّهُ هُوَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ» (یوسف، ۹۸-۹۷). و نیز می‌توان به بیان حضرت یوسف علیه‌السلام در مواجهه با برادران خطاکارش اشاره نمود که فرمود: امروز نه ملامتی بر شماست و نه توبیخی خداوند مهربان شما را می‌آمرزد و او مهربان ترین مهربانان است. (همان، ۹۲). حضرت شعیب علیه‌السلام در پاسخ به اهانت و لجاجت قوم چند مرتبه «یا قومِ» به کار می‌برد. این تعبیر بیانگر نوعی محبت و رأفت است. (هود/ ۹۳، ۹۲، ۸۹، ۸۸، ۸۵، ۸۴)

٤-٧. عصمت پیامبران

عصمت در لغت به معنی امساک و باز داشتن، منع کردن و حفظ کردن می‌باشد. و برخی آن را حفظ همراه با دفاع آورده‌اند. (مصطفوی، ۱۸۷/۸). در واقع یک حالت و ملکه نفسانی و درونی است که انسان را از ارتکاب گناه باز می‌دارد. این حالت و یا ملکه یک عاملی است بسیار قوی، و دارای پشتوانه‌ای است که از ذات انسان سرچشمه می‌گیرد و در مقابل هرگونه پلیدی پایداری می‌کند. (معرفت، ۱۹)

در یک معنای کلی می‌توان مراحل عصمت پیامبران را در دو محور ذیل دانست:

ـ عصمت در مقام تلقی و ابلاغ وحی

ـ عصمت عملی

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-24]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1400.14.28.3.9]

قرآن کریم به عصمت پیامبران در مراحل «اخذ وحی» و «تبلیغ رسالت» گواهی می‌دهد. و دانشمندان علم کلام هم در این مورد مخالفتی نداشته‌اند. (جز قاضی عبدالجبار که کـذب سهوی در تبلیغ را جایز دانسته است. (سبحانی، منشور جاوید، ۳۱/۵)

عصمت در قرآن کریم با تعابیر ذیل بیان شده است:

ـ مُخلَص (ص، ۸۳-۸۲ و ۴۷-۴۵) و (یوسف، ۲۴)

ـ مطهّر (الاحزاب، ۳۳)

ـ اصطفاء (آل‌عمران، ۳۳) و (الحج، ۷۵) و (ص، ۴۷)

در تفسیر المیزان ذیل آیه ۷۵ و ۷۶ الحج آمده است [این دو آیـه] دو حقیقـت را بیـان می‌کنند، یکی اینکه مسئله قراردادن رسولان برای بشر، بر خدا واجب است، و یکی هم این که واجب است که این رسولان معصوم باشند ... [این رسالت] در تحت نظام اصـطفاء قـرار دارد، و آن‌کسی را انتخاب می‌کند که صالح برای این کار باشد. (طباطبایی، ۱۴/ ۶۰۷)

ـ اجتباء (الانعام، ۸۷)

در مجمع البیان آمده است که اصطفا، اجتبا و اختیـار یـک مفهـوم را در امـر رسـالت دربردارد. «و اجتبیناهم أی اصطفیناهم و اخترناهم للرساله» (طبرسی، مجمع‌البیـان، ۱۰۴/۴) تقریباً همه دانشمدان شیعه و سنی پیامبران را در تلقی و ابلاغ مصون از خطا مـی‌داننـد. در این بین شیعیان عصمت را در دایره وسیع‌تری می‌نگرنـد. دلیـل و دایـره آن در بیـان سـید مرتضی به عنوان جمع‌بندی بحث می‌آید: «بنابراین، حال ثابـت نمـودیم ارتکـاب صـغیره و کبیره، پیش و پس از پیامبری برای پیامبران جایز نیست، زیرا متضمن رماندن و منع مـردم از قبول دعوت و گفته‌های ایشان بوده و موجب عدم حصـول اطمینـان روحـی نسـبت بـه ایشان می‌گردد.» (علم‌الهدی، ۳۲)

٤-٨. عالم به غیب و اخبار غیبی

خبر دادن از عالم غیب یکی از شاخصه‌های محوری نبوت و بیانگر صدق دعـوی نبـی

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-24]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1400.14.28.3.9]

می‌باشد. ادراک و تلقی از غیب در زبان قرآن کریم وحی نام دارد و آن حالتی که انسان از وحی می‌گیرد نبوت نامیده می‌شود. (طباطبایی، ۱۴۳/۲-۱۴۲) قدرت و قابلیتی است که خداوند متعال به برخی از بندگان خاص اعطا می‌کند تا اخبار و حقایق را از مبدا و عالم غیب دریافت و به مردم ابلاغ نمایند.

در یک معنی می‌توان آیات الهی را در مسأله غیب در دو محور قرار داد:

آیاتی که علوم، اسرار و اخبار غیب را صرفاً مختص ذات الهی می‌داند. (الأنعام، ۵۹؛ النمل، ۶۵)

آیاتی که خداوند متعال پیامبران، اولیا و رسولان مرتضی و مجتبای خود را بدان آگاهی می‌بخشد و اذن ورود می‌دهد. (الجن، ۲۸-۲۶؛ آل‌عمران، ۱۷۹)

اخبار غیبی توسط نبی با اتصال به مبدا و وحی الهی است. (آل عمران، ۴۹؛ یوسف،۳۷)

و این امری است ممدوح که مورد تایید قرآن کریم نیز می‌باشد. قرآن کریم هرگونه پیشگویی را مورد تایید قرار نمی‌دهد. (البقره، ۱۰۲) و آن را دون شأن نبی می‌داند. (الحاقه، ۴۲- ۴۰) در کتاب احتجاج طبرسی آمده است که زندیق از امام صادق علیه‌السلام در خصوص ریشه و اصل غیبگویی و این که چگونه انسان‌ها پیشگویی می‌کنند، سوالی کرد که حضرت پاسخ داد: «إن الکهانه کانت فی الجاهلیه فی کل حین فتره من الرسل ... فیخبرهم عن أشیاء تحدث... أماأخبار السماء فإن الشیاطین ... فیقذفها إلی الکاهن...» (طبرسی، الاحتجاج، ۲۱۲/۲-۲۱۱)

بنابراین کسی که خبر از غیب می‌دهد یا معصوم است که با اتصال به وحی و تزکیه نفس همراه است. و یا کاهن است که تهی بودن از تقوا و تصفیه و تزکیه لازمه کهانت وی است؛ حتی هم اگر دانش‌آموخته یک مرکز دینی باشد.

یکی از اهداف مهم خداوند متعال در طرح مساله غیب و اخبار غیبی توسط نبی تقویت و تعمیق باور مردم به امور مهم‌تر است. پیامبر از غیبی خبر می‌دهد که در زمانی اندک محقق می‌شود. (التحریم، ۳) در صلح حدیبیه از غیبی پرده می‌گشاید که در حدود یکسال

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-24]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1400.14.28.3.9]

و چند ماه بعد به وقوع می‌پیوندد. (الفتح، ۲۷) در جنگ دو امپراطور روم و ایـران خبـر از شکست ایران می‌دهد که در کمتر از هفت سال صورت می‌گیرد. (الروم، ۳-۲)

تحقق این حوادث در برهه‌ای اندک، باوری را در مخاطبان تعمیق می‌بخشد تا نسبت به اخباری از غیب که در طولانی مدت وعده وقوع آن داده شده یقین حاصل گردد.

۵- نبی و نبوت در عهد عتیق

نبوت در عهد عتیق شامل زنان و مردانی است که از نظر روحانی برتـر از مـردم عصـر خود بودند.

واژه نبوت (Prophet) از کلمه یونانی (Phophetes) مشتق شده است. دایره‌المعارف کتاب مقدس نبی را برگرفته از دو واژه عبری می‌داند: «Ro'eh این اسم در انگلیسی «Seer» رائـی ترجمه شده و توانایی خاص یک نبی را در دیدن حقـایق روحـانی و پیشـگویی حـوادث آینده نشان می‌دهد. و نیز از واژه «Nabi» واژه اصلی عبری برای کلمـه نبـی (Prophet) کـه ۳۱۶ بار در عهد عتیق (شکل جمع آن Nabi'im) تکرار شده است. گرچه ریشه ایـن کلمـه مشخص نیست ولی معنی واژه عبری نبوت کردن به مفهوم جاری ساختن کلمات زیـادی از فکر خدا و به وسیله روح خدا (جسینوس، لغت نامه عبری) است. او همچنـین مـرد خـدا، خادم خدا، دیده بان و رسول خداست.» (محمدیان و دیگران، ۳۹۸)

انبیا در عهد عتیق واجد ویژگی‌ها و خصوصیاتی هسـتند. جیمزهـاکس برخـی از ایـن خصوصیات را در قاموس کتاب مقدس برمی‌شمارد؛ ویژگـی‌هـایی چـون: دارای فصـاحت بودند. همواره از شریعت موسوی سخن می‌گفتند. اهل زهد و ساده زیسـت بودنـد. برخـی شاعر بودند و آلات موسیقی می‌نواختند. عده‌ای ماموران مذهبی و برخی مشاوران سیاسـی و زیرک پادشاهان بودند. امورات آینده را بدون تمیز زمان مشاهده می‌نمودند. مورد اعتماد خداوند و مسئولیت‌پذیر بودند و نسبت به مردم محبتی عمیق داشتند. از گناه قوم خود رنـج می‌بردند و با سطحی نگری مخالفت می‌ورزیدند. با کاهنان و انبیـای دروغـین همـواره در ستیز بودند. (هاکس، ۸۷۳ و نیز محمدیان و دیگران، ۳۹۹ با تلخیص)

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-24]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1400.14.28.3.9]

در تلمود از ۵۵ نبی سخن رفته است که شامل ۴۷ مرد و ۷ زن می‌شود. از جمله زنـان می‌توان به ساره همسر حضرت ابراهیم و مریم خواهر حضرت موسی علیهم‌السلام نام برد.*

۶- مفهوم نبوت در عهد عتیق

بعد از طرح مفهوم نبوت از منظر قرآن کریم، در این بخش مفهوم نبوت در عهـد عتیـق مورد بررسی و تشریح قرار می‌گیرد:

۶-۱. توحید و عبودیت محض در عهد عتیق

توحید عبادی و عبودیت الهی از مسایل مهم و مورد تاکید عهد عتیق مـی‌باشـد. کلمـه عهد و عهدین بیانگر عهد و پیمان الهی است که خداوند از انسان گرفته است. انسـان عهـد بست که به شریعت الهی گردن نهد و آن را انجـام دهـد. ایـن عهـد و پیمـان ... از زمـان حضرت ابراهیم علیه‌السلام بسته شد و سپس از زمان حضرت موسی علیه‌السلام تجدیـد و تحکیم گردیده است. (سلیمانی اردستانی، ۱۹)

تاکید آن در ده فرمان حضرت موسی علیه السلام جلوه‌ای ویژه دارد (خـروج، ۲۰). آن حضرت از بنی اسرائیل پیمان گرفت که از تمام دستورات الهی اطاعت کنند. ایـن عهـد بـه جهت اهمیتش در باب پنجم تثنیه تکرار و مورد تاکید مجدد قرار گرفـت. و خداونـد ایـن عهد را سوای آنچه که در حوریب بست، در دشت های موآب بـر قـوم یهـود یـادآوری و تکمیل نمود. (تثنیه/۲۹، ۱)

سایر پیامبران این عهد را که همان عبودیت است بر قوم خود تاکید نمودند: (اول پادشـاهان/ ۸، ۲۵-۲۲) و (دوم پادشاهان/۲۳، ۳-۱) و (یوشع/ ۲۴، ۱۷-۱۴) عهد عتیق عبـادت را صـرفاً پرستش نمی داند؛ اگر چه پرستش از روی اخلاص توأم با محبت در آن مورد تاکید مـی باشـد. در عهد عتیق تمام اموری که با نیت خـالص و در جهـت رضـای الهـی انجـام گیـرد، عبـادت

* Talmud, Megillah 14a

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-24]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1400.14.28.3.9]

محسوب می‌گردد. در این مقاله عبادت در همان معنای پرستش مورد توجه می‌باشد.

۶-۲. ایقان به معاد در عهد عتیق

عهد عتیق نه به گستردگی قرآن کریم و نه بـه صـراحت آن؛ در خصـوص رسـتاخیز و جهنم به اشاره و اختصار مطالبی را بیان داشته است.

در کتاب اشعیای نبی آمده است: «مردگان توزنده خواهند شد و جسدهای من خواهنـد برخاست ای شما که در خاک ساکنید بیدار شده ترنم نمائید.» (اشعیاء نبـی/ ۲۶، ۲۰-۱۹). در کتاب دانیال نبی رستاخیز و بیداری از مرگ و خروج از قبر ایـن گونـه توصـیف شـده است. «و بسیاری از آنانیکه در خاک خوابیده‌اند بیدار خواهند شد اما اینـان بجهـهٔ حیـات جاودانی و آنان بجهۀ خجالت و حقارت جاودانی» (دانیال نبی/ ۱۲، ۲)

در عهد عتیق بیش از طرح موضوع مرگ، در خصوص داوری پس از مرگ سـخن بـه میان آمده است: «یهودیان و مسیحیان از روز قیامـت و رسـتاخیز بـا نـام روز داوری و از حسابرسی با نام داوری نهایی یاد می کنند. در مواضع عدیده در عهد عتیق آمده اسـت کـه خداوند به هر کاری که انسان انجام می‌دهـد عـالم اسـت و در روز داوری همـه اعمـال او محاسبه خواهد شد. (امثال/۳، ۲۱۱؛ مزامیر/ ۱۴۱، ۳۱؛ جامعه/ ۱۱، ۱۰-۹) در تورات بـر خلاف گفته صدوقیان آیاتی وجود دارد که مفسرین آنها را تاییدی بـر رسـتاخیز و حیـات اخروی می دانند.» (رحیم پور، ۱۲۵)

البته برخی معتقدند که این تعابیر پس از اسارت یهود در بابل وارد عهد عتیـق شـده اسـت، یعنی بعد از زمانی که یهود تحت تاثیر افکار ایرانیان قرار گرفت (آریانپور کاشانی، ۴۱)

علی‌رغم طرح مباحث مربوط به معاد؛ خاصه رسـتاخیز در مواضـع عدیـده‌ای از عهـد عتیق؛ برخی از نویسندگان طرح چنین موضوعی را در عهد عتیق نفی نموده (پرچم، ۳۸۴) و برخی دیگر از مولفان آن را عقوبت دنیوی تعبیر نمودند نه اخروی. (توفیقی، ۱۱۹)

محققان تاریخ ادیان، ابتدای نفوذ معاد و بهشت و جهنم را در قرن دوم قبـل از مـیلاد و

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-24]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1400.14.28.3.9]

آن را حاصل تفکر ایرانیان می‌دانند ولی نمی‌توان چنین گفت، هر چند واژه‌های این چنینی در تورات نیامده باشد. ولی مطالبی نظر ما را درباره وجود معاد در تورات ثابت می‌کند. (اشرفی، ۱۷۵)

۶-۳. ادب حضور در عهد عتیق

کتاب اعداد شرح وقایع بنی اسرائیل در چهل سالی است که آنان کوه یسنا را ترک کرده و به نواحی شرق مرز کنعان رسیدند. مردم در سختی‌ها مأیوس می‌شدند و علیه خدا و موسی علیه‌السلام قیام می‌کردند. اما خداوند در مقابل نافرمانی بنی‌اسرائیل در پیمان خود وفادار و پایدار بود.

موسی علیه‌السلام همچون خداوند پایدار و استوار بوده اما در برخی مواقع صبر خود را در خدمت به خدا و مردم از دست می‌داد. حضرت موسی علیه السلام در اجرای اوامر الهی اطاعت محض دارد. (کتاب اعداد) در جایی دیگر پیشانی عجز به درگاه الهی می‌نهد و عفو و بخشایش الهی را التماس می‌نماید. (خروج/ ۳۴، ۹-۸). در سفر خروج بحثی با عنوان گلایه حضرت موسی علیه السلام با خداوند متعال مطرح شده است: «آنگاه موسی نزد خداوند برگشته گفت خداوندا چرا بدین قوم بدی کردی و برای چه مرا فرستادی ـ زیرا از وقتی که نزد فرعون آمدم تا بنام تو سخن گویم بدین قوم بدی کرده است و قوم خود را هرگز خلاصی ندادی.» (خروج/ ۵، ۲۳-۲۲). موسی علیه السلام برای آمرزش گناهکاران قصه سامری واسطه می‌شود، بخدایش عرض می‌کند که اگر حاضر نیستی از آنان درگذری پس نام مرا از دفتر خود پاک کن. (همانجا/ ۳۲، ۳۲)

کتاب یونس نبی خداوند را قادر مطلق و نیز خدای مهر و محبت معرفی می‌کند. وعده مجازات قوم را عملی نمی‌کند. همه را زیر سایه مهر و محبت خود قرار می‌دهد. از تصمیم خود بر عذاب و هلاکت قوم برمی‌گردد. یونس علیه‌السلام عرض می کند: خداوندا می‌دانستم که با محبتی پایدار احاطه شده‌ای و قوم را عذاب نمی‌کنی... «این امر یونس را

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-24]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1400.14.28.3.9]

بغایت ناپسند آمد و غیظش افروخته شد.» در باب چهارم کتاب دو مرتبه بر خداوند خشم می‌گیرد و آرزوی مرگ می‌کند که خداوند در هر دو بار وی را مورد سرزنش قرار می‌دهد. (نکـ : یونس نبی/۴)

۶-٤. زهد و ساده زیستی در عهد عتیق

بیشتر پیامبران درعهد عتیق برخاسته از اقشار ضعیف و از زاهدان و مستمندان جامعه بودند.گاهی همچون مردم عادی و ناشناخته در بین آنان رفت و آمد داشتند و به آنان هدایایی از طرف مردم اهداء می‌گردید. (دوم پادشاهان/ ۴، ۴۲)

گاهی نیز پیامبری باید سه سال پا برهنه و عریان به هر جایی رود تا نشانه ای باشد برای تحذیر قومی از عذاب الهی (اشعیا/۲۰، ۴). ایلیای نبی از پیامبران جلیل القدر آل اسرائیل بود که زاهدانه و با مشقت و قحطی روزگار می‌گذراند. (هاکس، ۱۴۴)

داود زاهدانه نزیست، منصب پادشاهی و نظامی یافت. گرچه عموم رفتار وی بر خلاف دیگر سلاطین بود؛ ولی از تاثیرات منفی و فاسدی که از کامیابی و قدرت بی‌حد نشأت می‌گیرد، مستخلص نشد. اگر زهد به معنی اکتفا به ضرورت در امور پسندیده است؛ داود به امور قبیح و ناروای اخلاقی و ورود به حریم و حصن دیگران پرانگیزه و متهم بود. (دوم سموئیل/ ۱۱)

سلیمان افزون بر دختر فرعون زنان بیگانه بسیاری را از اقوام متعدد دوست میداشت و علی رغم تاکید پروردگار به آنان دل می بست که تعدادشان به هفتصد زن با مرتبت شاهدخت (شاهزاده) و سیصد سُرّیه (صیغه) بود و چون سالخورده شد زنان او دلش را به سمت خدایان دیگر گرداندند و دل او دیگر تمامی از آن یَهوه خدایش نبود. این باعث شد که خداوند بر سلیمان خشم گیرد. (اول پادشاهان/ ۱۱) اغلب انبیاء تنها و غمگین بودند و در اجرای اوامر الهی از ناحیه انبیای کاذب مورد جفا قرار می‌گرفتند.

۶-۵. مقابله با سطحی نگری در عهد عتیق

تصور بنی‌اسرائیل از خدا و جهان هستی محدود است. حسن الباش به نقل از یکی از

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-24]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1400.14.28.3.9]

دانشمندان می‌نویسد: «برای عبرانیان تصوری برای عالم نبود. بنابراین به تصور خدایی نامحدود نرسیدند، و جهان ایشان محدود و خدای آنان نیز محدود بود.» (الباش، ۳۱۴)

رابطه‌ای که بین خداوند و بندگان وجود دارد، رابطه پدر و فرزندی است و این صرفاً در معنای مجازی به کار رفته است. این رابطه صرفاً مختص یک ملت نیست و شامل همه انسان‌ها می‌شود؛ زیرا که او پدر همگان و همه بندگان اویند. (کهن، ۴۷-۴۵)

خداوند در باغ راه می رود. او محل اختفای آن دو را نمی‌داند و خبر ندارد که آدم و زنش از میوه درخت ممنوعه خوردند. آدم و زنش و مار هر سه مورد غضب و مجازات الهی قرار می‌گیرند؛ مجازاتی که از جهت عقلی سطحی و سخیف می‌نماید. (پیدایش/۳)

در فصل سی و دوم داستان کشتی گرفتن حضرت یعقوب علیه‌السلام با خداوند به تصویر کشیده شده است. لقب اسرائیل را آنجا از خدا دریافت کرد. داستان این‌گونه پایان می پذیرد: «و یعقوب آن مکان را فنیئیل نامیده (گفت) زیرا خدا را روبرو دیدم و جانم رستگار شد - و چون از فنوئیل گذشت آفتاب بر وی طلوع کرد و بر ران خود می‌لنگید - ازین سبب بنی‌اسرائیل تا امروز عرق النساء را که در کف رانست نمی‌خورند زیرا کف ران یعقوب را در عرق النساء لمس کرد.» (همانجا/ ۳۲)

۶-۶. تجسم و تجلی محبت الهی در عهد عتیق

در کتاب عهد عتیق دو رویکرد در این خصوص مشاهده می‌شود:

۶-۶-۱. تصویری پر مهر از یهوه و پیامبران

به قوم خود محبت می ورزد، از مصیبت مردم رنج می برد و برای هدایت و نجاتشان دغدغه دارد.

انبیاء فروتن، اهل شفقت و رحمت بودند (میکا، ۶/ ۸) خداوند دلی نرم و مهربان به آنان داده بود (ارمیا، ۷/۲۴). در امر احیای درونی قلب و روح و مسئولیت فردی هر کس در

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-24]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1400.14.28.3.9]

ارتکاب به گناه تاکید و اهتمام می‌ورزد و همواره به بازگشت و هدایت قوم امیدوار است.

خداوند خود را به موسی دیر خشم، رئوف، سرشار از محبت و مهربانی، بخشاینده خطا و گناه معرفی می کند. و موسی علیه السلام در حالت سجده در نهایت تواضع به درگاه الهی و دلسوزی برای مردم، عفو و بخشایش الهی را مسالت می‌نماید. (خروج، ۹/۳۴-۶). «خداوند یَهوه می‌فرماید آیا من از مردن مرد شریر مسرور می‌باشم ـ نی بلکه از اینکه از رفتار خود بازگشت نموده زنده مانَد [می‌خواهم از راه بدی که در پیش گرفته است بازگردد و زنده بماند]» (حزقیال نبی، ۲۳/۱۸). خداوند پیامبرش را دوست می‌دارد و مانند یک دوست رو در رو با وی سخن می‌گوید. (خروج، ۱۱/۳۳)

در سراسر گفته‌های دانشمندان یهود در تلمود*، رابطه‌ای که بین خدا و بندگان وجود دارد به شکل رابطه بین پدر و فرزند تصور شده است. و خداوند را همواره «ای پدر ما که در آسمان هستی» خطاب می‌کند. او خود بندگانش را گفت که این‌گونه خطابش کنند و این به معنای علاقه و محبت خداوند نسبت به بشر است. و کاربرد ابوت و پدر و فرزندی در تورات صرفاً مجازی است. (نعمتی پیرعلی؛ هوشنگی، ۱۸۰)

۶-۶-۲. تصویری خشن از یهوه و پیامبران

سموئیل (داور بنی‌اسرائیل) شائول را از طرف خداوند به پادشاهی برگزید. پیام خداوند را این‌گونه به وی ابلاغ می‌کند؛ «پس الان برو و عمالیقرا شکست داده جمیع ما یملک ایشان را بالکل نابود ساز و برایشان شفقت مفرما بلکه مرد و زن و طفل شیرخواره و گاو و گوسفند و شتر والاغ را بکش» (اول سموئیل، ۴/۱۵-۳)

۶-۶-۲-۱. قتل عام یوشع نبی

یوشع پنج پادشاه را کشت و جنازه آنها را بر درخت آویخت. سپس به شهرهای

* تلمود تکمله یک تفسیر (دقیقاً بسط میشنا) که گمارا نامیده می‌شود. بنابراین باید تلمود را مجموع تعلیمات علمای یهود تا قرن پنجم یعنی زمان تکمیل گمارا دانست. (اشرفی، ۳۵)

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-24]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1400.14.28.3.9]

مختلف حمله کرد. و در هر شهری که وارد می‌شد تمامی اهل آن را می‌کشت و هیچ جانداری را زنده نمی‌گذاشت. (یوشع، ۴۳/۱۰-۱۶)

۶-۶-۲-۲. قتل عام داود

داود در تمام اقامتش در فلسطینیان به کاری جز حمله، غارت و قتل‌عام نمی‌اندیشید. به هر جایی که حمله می‌کرد تمام زنان و مردان آنجا را می‌کشت، حتی گوسفندان و گاوان و الاغها وشتران. وی کسی را زنده نمی‌گذاشت که مبادا خبر قتل عامش به سرزمین دیگری منتقل گردد. (اول سموئیل، ۲۷)

۶-۷. عصمت پیامبران در عهد عتیق

وظیفه عمده پیامبران در عهد عتیق به عنوان واسطه الهی و سفیران وی، دعوت مردم به مراعات امور اخلاقی و پادشاهان به پذیرش رهبری یهوه خدای بنی اسرائیل است. یهوه بواسطه انبیاء کلام الهی را با روح خود می‌فرستد. پیامبر با ایمان و اطمینان وحی الهی را درک می‌کند. در ابلاغ وحی اذیت می‌شود و از سوی مخاطبان مورد استهزاء قرار می‌گیرد و تحقیر می‌شود؛ اما به خود اجازه نمی‌دهد که در مأموریت الهی اهمال گردد. (ارمیا، ۱۱/۲۰-۹) اگر پیامبر در ابلاغ وحی کوتاهی نماید، مجازات می‌گردد و مسئولیت گمراهی و مرگ مردم متوجه وی خواهد بود. (حزقیال، ۲۱/۳-۱۶)

به روایت عهد عتیق، پیامبر در همه عمرش نبوت متصل و مستمری نخواهد داشت؛ ممکن است بواسطه عصیانی، روح نبوت از وی برداشته گردد. (نافرمانی حضرت سلیمان علیه‌السلام و تنبیه و خشم الهی بر وی) (اول پادشاهان، ۱۱). بنابراین در عهد عتیق به برخی از انبیاء عمل ناروایی نسبت داده شده است که عصمت عملی آنان به طور کامل مخدوش و مردود دانسته می‌شود. [به‌طور قطع مقام شامخ انبیاء از چنین نسبت‌های ناروایی مبراست.]

نسبت شرب خمر، مستی و برهنگی به حضرت نوح علیه‌السلام (پیدایش، ۲۱/۹). نسبت

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-24]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1400.14.28.3.9]

شرب خمر و زنای محارم به حضرت لوط علیه‌السلام (پیدایش، ۳۸/۱۹-۳۰). نسبت زنای محصنه حضرت داود علیه‌السلام با بتشبع دختر الیعام و زن اوریای حتّی (دوم سموئیل، ۱۱)

۶-۸. عالم به غیب و اخبار غیبی در عهد عتیق

معنای نبوت در عهد عتیق در سیر تحول و تاریخی خود دچار تغییر در معنی شده است. در متون قدیمی‌تر به معنی برانگیختن، الهام گرفتن و انذار کردن آمده است؛ ولی در متون جدیدتر نبوت به معنی پیش بینی حوادث آینده از طریق الهامات و ارسال و ابلاغ پیغام الهی به جماعتی خاص است. (حامدی، ۱۸۷) در عهد عتیق غیب بر دو نوع مطلق و نسبی است. غیب مطلق مختص خداوند است و در غیب نسبی به برخی از بندگان اجازه ورود و اختیار داده می‌شود. خداوند دانای بر همه امور و بر هرچیزی است و علمش بر همگان احاطه دارد. (مزامیر، ۱۲/۱۳۹-۱) همه اسرار عالم متعلق به اوست و پیامبر از بخشی از آن آگاهی دارد که خداوند به وی الهام داده است. (تثنیه، ۲۹/۲۹)

غیب‌گویی ممدوح و مورد تایید عهد عتیق آن بخش از اخباری است که منشأ الهی دارد. در این کتاب موارد بسیاری از پیشگویی‌های انبیاء مطرح شده است.

خداوند در عالم رویا خشکی، قحطی و نابودی را به عاموس نشان می‌دهد. (عاموس، ۲/۱) و نیز اسارت مردم سوریه به سرزمین قیر را پیشگویی می‌کند. (عاموس، ۵/۱) در عهد عتیق پیشگویی صرفاً از سوی انبیاء نبوده است؛ برخی از کاهنان و انبیای کاذب نیز پیشگویی داشته‌اند. این بخش از اخبار غیب مذموم می‌باشد. در عهد عتیق سحر و جادوگری مورد نکوهش واقع شده است. و بنی‌اسرائیل از انجام آن منع شده‌اند. (لاویان، ۲۶/۱۹) و به سخن جادوگران نباید توجهی نمایند. (ارمیا، ۹/۲۷)

اما کهانت از واژه‌های پرکاربرد در عهد عتیق است. کهانت در ابتدا مقامی ارثی بود و اولین کسی که به آن منصوب شد هارون و پسرانش بودند. (خروج، ۱/۲۸) کاهن فرد مورد اعتمادی بود، تفسیر نصوص با او بود و توبه و قربانی به دست و اراده وی پذیرفته می‌شد. (اعداد، ۸/۱۸)

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-24]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1400.14.28.3.9]

در عهد عتیق غیب به امور عادی نیز تعلق می‌گیرد که هیچ‌گونه تاثیری در زندگی و هدایت انسان‌ها ندارد.

۷- تحلیل و بررسی تطبیقی

در این بخش، مفهوم نبوت و لوازم و توابع آن در دو کتاب مقدس به طور تطبیقی مورد تحلیل و بررسی قرار می‌گیرد. در تطبیق مشاهده می شود که وجوه اشتراک بیش از وجوه افتراق در دو کتاب مقدس می‌باشد.

۷-۱. توحید و عبودیت محض

توحید اصلی‌ترین محور حیات در سیره همه پیامبران و کتب الهی است. مهمترین رسالت انبیاء در جهت تحقق اساسی‌ترین هدف، یعنی ترویج یکتاپرستی در جوامع بشری بوده است. احکام عبادی و شریعت یهود در بسیاری از موارد شباهت‌های فراوانی با شریعت اسلام دارد. در نگاه هر دو کتاب به شریعت و دغدغه‌های پیامبران در دریافت و ابلاغ ، وجوه اشتراک بسیاری وجود دارد.

اکثر هنجارهای موجود در «ده فرمان» در هر دو کتاب مقدس بیان شده است. مصادیقی از قبیل نفی بت پرستی، قتل، زنا، احترام به پدر و مادر و... مواردی نیز وجود دارد که کتب بعدی از قبل خود نقل و در برخی موارد تکمیل می نماید. (نکـ : محسنیان راد، ۱۷)

«دین اسلام با آنکه پیشینه یهودیت را تصدیق می‌کند ضرورتاً از همه آموزه‌ها و کتاب مقدس یهودی در شکل فعلی اش دفاع نمی‌کند. این دو دین از یک جهت بسیار بهم شبیه‌اند و آن ارزشی است که به «شریعت*» داده‌اند. (سلیمانی، ۲۸)

۷-۲. ایقان به معاد

حیات مجدد پس از مرگ از اصول محوری قبول معاد است که هم در قرآن کریم و

* برخی معتقدند که حضرت عیسی علیه‌السلام شریعتی نیاورده است و اگر آورد، همان شریعت حضرت موسی علیه‌السلام است.

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-24]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1400.14.28.3.9]

هم عهد عتیق در موارد بسیاری قابل تطبیق می باشد. به طور کلی در قرآن کریم و عهد عتیق اطاعت از فرامین الهی و اعمال صالح، معیار اساسی جدایی صالحان و بدکاران در حیات پس از مرگ بیان شده است. اموری مربوط به قبل از رستاخیز و نیز وقوع آن، حسابرسی، داوری اعمال همگان، ثواب و عقاب و بهشت و جهنم مورد پذیرش هر دو کتاب و آیین می‌باشد.

ناگفته نماند که برخی معتقدند تعابیر در خصوص معاد بعدها وارد عهد عتیق شده است. و کتب بعدی تحت تاثیر اوستا و مضامین و تعابیر آن قرار گرفتند. این عقیده نمی‌تواند صحیح باشد.

«هر سه دین توحیدی برای کافران در حیات بازپسین، عذاب در آتش خاموش نشدنی و برای نیکان پاداش در بهشت، باغ لذائذ و نمونه ی عدن نخستین، جایگاه آدم را پیشگویی کرده‌اند.» (ماسون، ۲/ ۹۱۳)

۷-۳. ادب حضور

قرآن کریم در یک رویه ثابت و پایداری ادب حضور پیامبران را به محضر الهی بیان می‌کند. تسلیم، خشوع و عبودیت محض در محضر الهی و تواضع در ابلاغ و اجرا در همه ابعاد شخصیتی و رفتار فردی و اجتماعی آنان مشهود است.

عهد عتیق در بخشی اطاعت محض پیامبران را به تصویر می‌کشد. و در بخشی دیگر گلایه آنان را از خداوند متعال مطرح می‌کند. در مواردی هم می‌بینیم که پیشوای دینی صبر خود را در خدمت به خداوند و مردم از دست می‌دهد؛ این ناشکیبایی در برخی مواقع با انتقاد پیامبر از خداوند و سرزنش و ناپسندی پروردگار از پیامبرش توأم می‌گردد.

۷-٤. زهد و ساده زیستی

زهد در فرهنگ قرآنی هدفی مشخص و روندی ثابت دارد. زهد به معنی نداشتن

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-24]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1400.14.28.3.9]

نیست؛ بلکه نخواستن است. با این نگرش، پیامبران در تمول، قدرت، مکنت و ثروت نیز زاهدانه می زیستند. دنیا در زیر پایشان بود و در قلب و دلشان نفوذ و رسوخی نداشت. *

کلیاتی از زهد و زندگی زاهدانه در دو کتاب مشترک است. ولی در نگرش و هدف آن در زندگی پیشوایان نگاه متفاوتی وجود دارد. عهد عتیق در برخی از مواقع زهدی را به تصویر می‌کشد که سیره زاهدانه پیامبر متناسب با شأن نبوت نیست. در جایی هم پیامبری را می‌بینیم که سیره زاهدانه ندارد، به حقوق خود بسنده نمی‌کند و از حدود الهی نیز تجاوز می‌نماید.

۷-۵. مقابله با سطحی نگری

در قرآن‌کریم خداوند متعال نور آسمان‌ها و زمین، لایتناهی، غیرقابل درک و رؤیت معرفی شده است. در عهد عتیق خداوند نیز مانند جهان هستی محدود، قابل درک و رؤیت می‌باشد. همچون پدری مهربان برای امت و دوستی که باپیامبرش دوستانه و رو در رو سخن می‌گوید. رابطه پدر و فرزندی و برخی تعابیر دیگر باید به صورت مجاز نگریسته شود. البته در برخی از موارد تصویری سخیف و دون عقل از خداوند ارایه می‌کند که در موارد این‌گونه‌ای جز اذعان به تحریف این کتاب مقدس، تعبیر دیگری از آن نمی‌توان نمود.

۷-۶. تجسم و تجلی محبت الهی

دین الهی بر محور محبت استوار است. پیامبران به عنوان واسطه فیض، واجد اسماء و صفات الهی، تجسم عینی رأفت، مهربانی و صفات رحمانی هستند. آنان در تمامی احوال و شرایط و حتی در رفتار قهرآمیز و حکومتی خود، اخلاق محور بوده و ذره‌ای از عدالت عدول نمی‌کردند. قرآن کریم در تشریح این موضوع نیز رویه ثابت و پایداری دارد.

---

* چیست دنیا از خدا غافل بُدن — نی قماش و نی زر و فرزند و زن
مال را کز بهر دین باشی حمول — نعم مال صالح خواندش رسول
آب در کشتی هلاک کشتی است — آب اندر زیر کشتی پشتی است
(مولوی، ۴۴)

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-24]
[DOR: 20.1001.1.20080417.1400.14.28.3.9]

عهد عتیق در برخی موارد تصویری پارادوکس و متناقض از ساختار شخصیتی پیامبرش ارایه می‌دهد. رفتار قهرآمیز پیامبر در جهت استقرار عدالت باید با صفات رحمانی قرین باشد. توجیه رفتاری خشن و بدور از عدالت از پیشوای دینی که در برخی موارد در عهد عتیق مشاهده می‌شود؛ غیر قابل پذیرش و محل تأمل و تردید که اصالت کتاب مقدس را مخدوش می‌سازد و مساله تحریف آن را تقویت می‌بخشد.

۷-۷. عصمت پیامبران

هر دو کتاب به تفاوت در مراتب و درجات پیامبران باور دارند. قرآن کریم نبوت را دایمی و پیامبران را در پیش و پس از نبوت معصوم می‌داند ولی عهد عتیق آن را متصل نمی‌داند؛ زیرا ممکن است پیامبری با ارتکاب گناه روح نبوت از وی برداشته گردد. هر دو کتاب بر حساس بودن خدا و پیامبرش در تلقی و تبلیغ وحی اعتقاد دارند. مراتب و دایره عصمت در دو کتاب متفاوت بیان شده است. قرآن کریم پیامبران را در تلقی و تبلیغ وحی، در اعتقادات، گفتار و رفتار فردی و اجتماعی و سیره عملی معصوم می‌داند؛ در واقع با تعابیری نظیر مخلَص، مطهر، اصطفاء و اجتباء بر عصمت عملی پیامبران تأکید دارد. در عهد عتیق عصمت انبیاء در تلقی و تبلیغ وحی مورد تایید است. ولی عصمت عملی در مفهومی که مسلمانان بدان معتقدند، در این کتاب وجود ندارد و چنانکه گذشت برخی از پیامبران به گناه آلوده شده‌اند که می‌تواند در نتیجه تحریفاتی باشد که به این کتاب وارد شده است.

۷-۸. عالم به غیب و اخبار غیبی

مسأله غیب از آموزه‌های مشترک دین ابراهیمی و عالم به آن و اخبار از آن یکی از شاخصه‌های مهم در شناخت پیامبران است. در هر دو کتاب غیب به مطلق و نسبی دسته بندی می‌گردد که در غیب نسبی خداوند بخشی از آن را در اختیار پیامبر قرار می‌دهد. در هر دو کتاب سحر و جادو مذموم است. در قرآن کریم کهانت نیز نکوهیده و مورد مذمت

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-24]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1400.14.28.3.9]

واقع شده است؛ اما کهانت در عهد عتیق متفاوت از اصطلاح قرآنی و ممدوح است. هـر دو کتاب نبوت را مصداق غیب‌گویی ممدوح می‌دانند که پیامبر بـا اتصـال بـه وحـی آن را در اختیار مردم قرار می‌دهد. غیب در امور عادی از مختصات عهد عتیق است کـه هـیچ‌گونـه تاثیری در زندگی و هدایت مردم ندارد.

۸- نتایج مقاله

ـ عهد عتیق در طرح داستان انبیاء، بر ارایه گزارش و نقل تاریخ و قصه تمرکز دارد. پیـام‌دهـی بر محور هدایت و اخلاق، آن‌گونه که هدف قصه‌های قرآنی است؛ در عهد عتیق مشاهده نمی‌شود.

ـ ارزش نهادن به امر شریعت در هر دو دین مورد اشتراک و اتفاق است.

ـ پیامبران در تحقق اساسی‌ترین هدف که یکتاپرستی است، در جوامع اهتمام مـی‌ورزیدنـد. قرآن کریم بسیاری از احکام و شریعت عهد عتیق را تصدیق و تکمیل می‌نماید؛ اما عهـد عتیـق امروزی و همه آموزه‌ها و شریعت آن را به طور کامل مورد تایید قرار نمی‌دهد.

ـ حیات پس از مرگ، از اصول محوری سیره پیامبران و مورد تاکید دو کتـاب مقـدس می‌باشد. اموری مربوط به قبل از رستاخیز و وقوع آن، حسابرسی، داوری اعمال، ثـواب و عقاب، بهشت و جهنم مورد پذیرش هر دو دین و کتاب می‌باشد. برخی معتقدند کـه بحـث معاد در کتب عهد عتیق نبوده و در یک سیر تاریخی و متأثر از کتب دیگر بر آن وارد شده است. در بخش دوم بیان شد که این دیدگاه نمی‌تواند صحیح باشد.

ـ قرآن کریم در یک رویه پایداری ادب حضور و عبودیـت محـض پیـامبران را در محضـر الهی و تواضع در ابلاغ و مواجهه با مردم بیان می‌دارد. عهد عتیق در بخشی اطاعت محـض و در بخشی دیگر گلایه پیامبر از خدایش را مطرح می‌کند. گاهی مشاهده می‌شـود کـه پیـامبر صـبر خود را در خدمت به خداوند و مردم از دست می‌دهد و مورد سرزنش الهی قرار می‌گیرد.

ـ کلیات زهد و زندگی زاهدانه پیامبران در دو کتاب مشترک اسـت. زهـد در فرهنـگ قرآنی به معنی نخواستن است. بنابراین پیامبران در تمـول، مکنـت و قـدرت نیـز زاهدانـه می‌زیستند. عهد عتیق گاهی زهدی را به تصویر می‌کشد که سیره زاهدانه پیامبر متناسب بـا

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-24]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1400.14.28.3.9]

شأن نبوت نیست. گاهی هم مشاهده می‌شود که پیامبر سیره زاهدانه ندارد و حتی از حدود الهی تجاوز می‌نماید و مورد انتقاد شدید و سرزنش الهی قرار می‌گیرد.

ـ قرآن کریم تصویری لایتناهی و غیر قابل رؤیت و درک از خداوند متعال ارایه می‌دهد. در عهد عتیق خداوند متعال مانند جهان هستی محدود، قابل رؤیت و درک است. گاهی خود را دوست و پدری مهربان برای پیامبر و مردم معرفی می‌کند که معنای مجازی آن مراد است. در برخی موارد تصویری سخیف و دون عقل ارایه می‌دهد که متناسب با شأن ربوبی نیست و بی شک بر کتاب مقدس تحمیل شده و تحریف است.

ـ دین الهی بر محور محبت استوار است. پیامبران تجسم عینی صفات رحمانی و رأفت الهی بر مردم هستند. در همه ابعاد شخصیتی و رفتار حکومتی و نبوتی اخلاق محور بودند. گاهی در عهد عتیق تصویری متناقض از ساختار شخصیتی پیامبر ارایه می‌شود که غیرقابل پذیرش است و اصالت کتاب مقدس را مخدوش و باور بر تحریف آن را تقویت می‌نماید.

ـ هر دو کتاب به تفاوت در مراتب پیامبران و به عصمت در تلقی و تبلیغ وحی الهی اعتقاد دارند؛ اما در عصمت عملی و در محدوده و دایره عصمت اختلاف دارند. بسیاری از دانشمندان مسلمان و تمامی علمای شیعه پیامبران را در همه امور در پیش و پس از نبوت معصوم می‌دانند.

ـ غیب در دسته‌بندی مطلق و نسبی، ممدوح و مذموم مورد پذیرش و اشتراک هر دو کتاب است مصداق غیب‌گویی ممدوح نبوت است که اتصال به مبدا دارد. و سحر و جادو و کهانت از منظر قرآن کریم مذموم است؛ ولی در عهد عتیق کهانت متفاوت با اصطلاح قرآنی، ممدوح و مورد تایید است. تحقق وعده‌های غیبی قرآنی در فاصله زمانی اندک، به قلوب مخاطبان نسبت به وقوع وعده‌های مهم و دور دست نظیر ظهور و قیامت تقویت و یقین می‌بخشد.

بنابراین در پایان می‌توان گفت در شخصیت و سیره پیامبران در دو کتاب مقدس وجوه اشتراک بیش از افتراق است. موارد اختلافی مربوط به مراتب پیامبران و شرایط عصر زندگی آنان است و یا تحمیل بر کتاب مقدس و تحریف می‌باشد. تقویت وجوه اشتراک بستری مناسب را در مطالعات تطبیقی و هم زیستی و تعامل پیروان دین ابراهیمی فراهم می‌آورد.

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-24]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1400.14.28.3.9]

کتابشناسی

۱. قرآن کریم

۲. کتاب مقدس، ترجمه انجمن کتاب مقدس، ۲۰۱۵م.

۳. کتاب مقدس، ترجمه از زبان‌های عبرانی و کلدانی و یونانی، انجمن پخش کتب مقدسه، ۱۹۹۰ م.

۴. عهد عتیق (کتاب‌های تاریخی)، بر اساس کتاب مقدس اورشلیم، ترجمه پیروز سیار، تهران، نشر هرمس و نشر نی، ۱۳۹۷ش.

۵. آریانپور کاشانی، عباس و منوچهر، نفوذ عقاید آریایی در دین یهود و مسیحیت، تهران، مدرسه عالی ترجمه، ۱۳۵۲ش.

۶. اشرفی، عباس، مقایسه قصص در قرآن و عهدین، تهران، سازمان تبلیغات اسلامی، چاپ دوم، ۱۳۹۰.

۷. الباش، حسن، القرآن و التوراة ان یتفقان و ان یفترقان؟،ترجمه علی اوسط ابراهیمی، تهران، نشر گستره، ۱۳۹۲.

۸. بوش، ریچارد و دیگران، جهان مذهبی: ادیان در جهان امروز، ترجمه عبدالرحیم گواهی، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، چاپ چهارم، ۱۳۸۶ش.

۹. پرچم، اعظم، بررسی تطبیقی مسایل وحی و نبوت از دیدگاه قرآن و عهدین، اصفهان، کنکاش، چاپ دوم، ۱۳۸۷ش.

۱۰. توفیقی، حسین، آشنایی با ادیان بزرگ، تهران، انتشارات سمت، ۱۳۷۹ش.

۱۱. جوادی آملی، عبدالله، انتظار بشر از دین، قم، اسراء، ۱۳۸۰ش.

۱۲. همو، تسنیم، نشر اِسراء، چاپ چهارم، ۱۳۹۳ش.

۱۳. همو، تفسیر موضوعی قرآن مجید، تهران، نشر رجاء، ۱۳۷۳ش.

۱۴. همو، یاد معاد، نشر رجاء، چاپ دوم، بی تا.

۱۵. حامدی، گلناز، فرهنگ اصطلاحات ادیان جهان، تهران، انتشارات مدحت، ۱۳۸۴ش.

۱۶. خزائلی، محمد، اعلام قرآن، تهران، امیر کبیر، چاپ پنجم، ۱۳۷۸ش.

۱۷. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، مفردات الفاظ القرآن، بیروت، دارالفکر، ۱۳۹۲ق.

۱۸. رحیم‌پور، فروغ، «رستاخیر در عهد عتیق و عهد جدید»، فصلنامه اندیشه دینی، دانشگاه شیراز، ش۴، زمستان ۱۳۹۱.

۱۹. زنجانی، موسی، مدینه البلاغه، تهران، منشورات الکعبه، ۱۴۰۵ق.

۲۰. سبحانی، جعفر، عقاید اسلامی در پرتو قرآن، قم، موسسه بوستان کتاب، چاپ دوم، ۱۳۸۶ش.

۲۱. همو، منشور جاوید، قم، موسسه امام صادق علیه السلام، ۱۳۸۳.

۲۲. سلیمانی اردستانی، عبدالرحیم، کتاب مقدس، قم، آیت عشق، چاپ دوم، ۱۳۸۵.

۲۳. سلیمانی، حسین، عدالت کیفری در آیین یهود، قم، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، ۱۳۸۴ش.

۲۴. سیدرضی، محمد بن الحسین، نهج البلاغه،ترجمه محمد دشتی، قم، دارالعلم، چاپ هشتم، ۱۳۹۲ش.

۲۵. السیوطی، جلال الدین، البهجه المرضیه علی الفیه ابن‌مالک، بتعلیق السیدعلی الحسینی، قم، دارالفکر، ۱۳۷۸

۲۶. همو ، الدرالمنثور، بیروت، دارالفکر، ۱۴۱۴ق.

۲۷. طباطبایی، سید محمدحسین، تفسیر المیزان، ترجمه سید محمدباقر موسوی همدانی، نشر بنیاد علمی و فکری علامه طباطبایی، چاپ پنجم، ۱۳۷۶.

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-24]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1400.14.28.3.9]

۲۸. همو، المیزان فی تفسیر القرآن، بیروت، موسسه الاعلمی للمطبوعات، ۱۴۱۱ق.
۲۹. طبرسی، احمدبن علی، الاحتجاج، ترجمه بهراد جعفری، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۸۱.
۳۰. طبرسی، فضل بن الحسن، مجمع البیان، بیروت، موسسه الاعلمی للمطبوعات، الطبعه الثانیه، الجزء التاسع، ۱۴۲۵.
۳۱. طبری، محمد بن جریر، جامع البیان، بیروت، دارالمعرفه، ۱۴۱۲ق.
۳۲. علم الهدی، علی بن الحسین، تنزیه الانبیاء، ترجمه امیرسلمانی رحیمی، نشر آستان قدس رضوی، ۱۳۷۷.
۳۳. کلینی، محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه سید جواد مصطفوی، تهران، انتشارات ولی عصر عجل الله، ۱۳۷۵ش.
۳۴. کهن، ابراهام، گنجینه ای از تلمود، ترجمه امیر فریدون گرگانی، تهران، انتشارات اساطیر، ۱۳۸۲.
۳۵. ماسون،دنیز، قرآن و کتاب مقدس، درون مایه های مشترک، ترجمه فاطمه سادات تهامی، تهران، دفتر پژوهش و نشر سهروردی، ۱۳۷۹.
۳۶. مجلسی، محمدباقر، بحارالانوار، بیروت، موسسه الوفاء، چاپ دوم، ۱۴۰۳ق.
۳۷. معرفت، محمدهادی، تنزیه انبیاء، انتشارات نبوغ، ۱۳۷۴.
۳۸. محسنیان راد، مهدی، هنجارها در سه کتاب مقدس، قم، انتشارات دانشگاه ادیان و مذاهب، ۱۳۹۳ش.
۳۹. محمدیان، بهرام و دیگران، دایره المعارف کتاب مقدس، تهران، انتشارات سرخدار، ۱۳۸۱ش.
۴۰. مصطفوی، حسن، التّحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بیروت، دارالکتب العلمیه، الطبعهٔ الثالثه، ۱۴۳۰ق.
۴۱. مولوی، محمد بن محمد، مثنوی معنوی، تصحیح رینولد الین نیکلسون، انتشارات سنا، ۱۳۷۵.
۴۲. نعمتی پیرعلی، دل آرا؛ هوشنگی، لیلا، مقایسه قرآن و عهدین، تهران، انتشارات سمت، چاپ دوم، ۱۳۹۶ش.
۴۳. نوری، میرزاحسین، مستدرک الوسائل، بیروت، موسسه آل البیت علیهم‌السلام، ۱۴۰۸ق.
۴۴. وسلز، آنتونی، تورات، انجیل و قرآن، ترجمه عاطفه عبدی خان و مهدی حبیب‌اللهی، تهران، انتشارات حکمت و عرفان، ۱۳۹۷ش.
۴۵. هاکس، مستر، قاموس کتاب مقدس، تهران، اساطیر، ۱۳۷۷ش.
46. Talmud, Megillah 14, at sefaria.org

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-24]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1400.14.28.3.9]